



نظر اسلام درباره مسیحیت / خاطره فنایی اشکوری از گفتگو با یک مسیحی

قرآن کریم از مسیحیان به عنوان اهل کتاب به نیکی یاد کرده و از آنها و یهودیان خواسته که همه در کنار هم خدای واحد را بپرستیم.

قرآن کریم از مسیحیان به عنوان اهل کتاب به نیکی یاد کرده و از آنها و یهودیان خواسته که همه در کنار هم خدای واحد را بپرستیم.

به گزارش خبرنگار مهر، دکتر محمد فنایی اشکوری استاد مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی(ره) در یادداشتی با ذکر خاطره ای به نظر اسلام درباره مسیحیت پرداخته است که در ادامه می خوانید؛

در سال ۱۳۸۴ که در همایشی در صومعه و کالج امپل فورث (حومه شهر یورک انگلستان) شرکت داشتم، در حاشیه این همایش یکی از اساتید الهیات مسیحی نظر اسلام را درباره مسیحیت از من جویا شد. پیشنهاد کردم که برای گفتگو به زیر درخت تناوری که در تپه سبز مجاور آن مجتمع قرار داشت و بر منطقه وسیع و سرسبزی مشرف بود، برویم. ایشان از این پیشنهاد استقبال کرد و مباحثه ما در زیر آن درخت آغاز شد.

ایشان نظر اسلام را درباره مسیحیت پرسید، که من نظر مثبت اسلام نسبت به مسیحیت را به تفصیل با استناد به قرآن کریم و سیره حضرت رسول اکرم(ص) برای وی توضیح دادم. گفتم برخلاف مسیحیت رسمی امروزه، که اسلام را به عنوان دین الهی به رسمیت نمی‌شناسد؛ زwnj& می‌شناسد، دین اسلام، مسیحیت و یهودیت را به عنوان ادیان الهی به رسمیت می‌شناسد و حضرت موسی و عیسی و مریم از مقدسات اسلامی به شمار می‌روند و ایمان به آنها و به تورات و انجیل برهر مسلمانی واجب است.

ایشان پرسید از نظر اسلام نقاط اختلاف بین اسلام و مسیحیت چیست. در پاسخ گفتم، به نظر ما وحی الهی پس از حضرت عیسی(ع) هم ادامه یافت و پیامبر اسلام آخرین رسول خداست. با بعثت او، پیروان همه ادیان باید به آخرین حلقه از زنجیره وحی الهی که در قرآن کریم تجسم یافته است، ایمان بیاورند. نکته دیگر، اختلاف درباره تثلیث و جایگاه حضرت مسیح است. ما به خدای واحد قائل هستیم و هیچ گونه کثرتی را در ذات او نمی‌شناسیم؛ زwnj& پذیریم و حضرت عیسی(ع) هم که به طور معجزه آسایی از مریم متولد شده است، انسانی است که به پیامبری برگزیده شده است و جنبه الوهی ندارد. قرآن از قول حضرت عیسی(ع) در حالی که در گهواره بود، نقل می‌کند که گفت: «إِنِّي عَبْدُ اللَّهِ آتَانِي الْكِتَابَ وَجَعَلَنِي نَبِيًّا...& (مریم/۳۰) من بنده خدا هستم، خداوند به من کتاب آسمانی داده و مرا پیامبر قرار داده است.

گفت: چرا تثلیث را نمی‌شناسی؟ پذیرد؟ گفتم: آیا شما فکر می‌کنید تثلیث قابل تبیین عقلانی است؟ اگر پدر و پسر و روح القدس سه شخص مستقل باشند، سه خدای مستقل خواهند بود و این عین شرک است و با توحید که مسیحیان نیز مدعی آن هستند نمی‌سازد؛ زwnj& سازد.

گفت: شما فقط به تعدد آنها توجه کرده‌اید؛ زwnj& اید، اما آنها در عین تعدد واحد هم هستند. الهیات مسیحی بر تثلیث و در همان حال بر یگانگی خدا تأکید دارد. گفتم: اگر بگوییم آنها سه شخص و سه هویت مستقل باشند که در عین حال یک شخص و دارای یک هویت هستند، سخن ما تناقض آمیز و بی‌معنا خواهد بود.

گفت: خیر محال نیست؛ بلکه مانند مثلث است که با اینکه یک واحد است، اما سه ضلع دارد. گفتم: اولاً یک مثلثی که سه ضلع دارد یک مثلث است، نه سه مثلث؛ اما شما بر سه شخص بودن اشخاص تثلیث تأکید دارید. ثانیاً لازمه این که خدا مثل مثلث باشد این است که خدا مرکب از اجزا باشد، در حالی که در خود الهیات مسیحی هم گفته می‌شود؛ زwnj& شود خدا بسیط و بدون اجزاء است.

گفت: اگر ما به تثلیث اعتقاد داریم، شما مسلمانان؛ زwnj& ها به نود و نه خدا اعتقاد دارید. گفتم: ما فقط به یک خدا اعتقاد داریم.

گفت: پس نود و نه اسمی که در قرآن آمده است چیست؟ گفتم: خداوند صفات و اسمای بسیاری دارد. برخی روایات

هزار و یک اسم برای خداوند برشمرده‌اند؛ و در حقیقت، اسمای خداوند بی‌پایان است. یک خدا است که این همه صفت و اسم دارد، نه نود و نه یا هزار و یک خدا. خدا یک ذات است و صفات بسیار دارد. کثرت صفات باعث کثرت ذات نمی‌شود. یک ذات است که حی و عالم و قادر است، نه سه شخص. اما تثلیث این گونه نیست. اگر یکی از اشخاص تثلیث، ذات و دو تای دیگر صفات او باشند، شاید به نحوی بتوان آن را معقول دانست؛ اما در این صورت سه شخص با سه هویت نخواهند بود؛ در حالی که آموزه تثلیث اصرار دارد که آنها سه شخص با سه هویت هستند. به علاوه، مسیحیت برای خدای پدر شبیه همان اسما و صفاتی را قائل است که مسلمانان برای خدای واحد قائلند. اگر کثرت اسما نشانه کثرت ذات باشد، پس باید خدای پدر هم به تعداد اسما متعدد باشد، در حالی که طبق اعتقاد مسیحی این گونه نیست.

گفت: حق این است که تثلیث یک راز است که باید به آن ایمان آورد. گفتم: راز نباید برخلاف عقل باشد. ممکن است عقل نتواند راز را بفهمد، اما راز نباید چیزی باشد که عقل آن را محال می‌بیند. اگر این طور باشد، هر کسی هر عقیده باطل و خرافی را می‌تواند به عنوان راز مطرح کند. پیروان همه مسلک‌های باطل، مثل بت پرستان و گاو پرستان هم هر وقت توجیه معقولی برای عقیده خود نداشته باشند، می‌توانند بگویند این یک راز است. آیا این درست است؟

گفت: شما گفتید کتاب مقدس را قبول دارید. اگر این طور است باید تثلیث را بپذیرید؟! گفتم: اولاً در کتاب مقدس هم تصریح به تثلیث نیست. ثانیاً ما اصل کتاب مقدس را قبول داریم؛ اما آنچه امروزه در دست ماست دچار تحریف شده است.

گفت: چه دلیلی بر تحریف دارید؟ گفتم: اولاً کتاب آسمانی ما قرآن به تحریف کتب مقدس اشاره دارد. ثانیاً وجود آموزه‌های ضد عقلی خود بهترین دلیل بر تحریف است. در بین خود مسیحیان هم درباره کتاب مقدس توافق نیست. ناسازگاری‌ها در کتاب مقدس نیز فراوان است. افزون بر این، کتاب مقدس مسیحی اصیل، امروزه وجود ندارد. آنچه هست ترجمه‌های کتاب مقدس است. قدیمی‌ترین ترجمه موجود، ترجمه یونانی است؛ در حالی که انجیل اصیل به زبان یونانی نبود و حضرت عیسی به یونانی سخن نمی‌گفت؛ زبان حضرت عیسی و انجیل اصلی زبان آرامی بود.

گفت: اما شما گفتید به عیسی مسیح اعتقاد دارید. برای عیسی مسیح چه جایگاهی قائل هستید؟ گفتم: ما حضرت عیسی مسیح (ع) را یکی از انبیای بزرگ الهی می‌دانیم و دیدگاه شما درباره الوهیت حضرت عیسی را قبول نداریم. فرق ما با شما در "سان" و "ساین" است. شما حضرت عیسی (ع) را پسر خدا (Son) می‌دانید، اما ما حضرت عیسی را کلمه و آیه‌ای از آیات بزرگ خدا (Sign) می‌دانیم. اینکه خدا پسر داشته باشد، اساساً نامعقول است. شما خدا را به انسان قیاس کرده‌اید که دارای خانواده و فرزند است و به تشبیه گراییده‌اید. اگر بگویید پسر بودن عیسی یک تعبیر مجازی است و به معنای پسر در بین انسان‌ها نیست، این اشکالی ندارد؛ اما در این صورت نباید برای عیسی الوهیت قائل باشید، در حالی که مسیحیت برای عیسی الوهیت قائل است.

گفت: تلقی مسلمانان از محمد چیست؟ گفتم: ما برای حضرت محمد (ع) و هیچ مخلوق دیگری الوهیت قائل نیستیم. ما او را عبد و بنده خدا می‌دانیم که توسط خداوند مأموریت یافته برای هدایت انسان. بنابراین، پیامبر انسانی است مثل دیگر انسان‌ها، اما چون عبد صالحی است و بهترین بنده خداست، مبعوث به رسالت شده است.

سپس افزودم که به رغم این تفاوت‌ها، نقاط اشتراک اساسی بین دو دین هست. هر دو معتقد به خدا، وحی و قیامت و از ادیان ابراهیمی هستند. از نظر قرآن کریم، حقیقت همه ادیان الهی یکی است. قرآن کریم از مسیحیان به عنوان اهل کتاب به نیکی یاد کرده و از آنها و یهودیان خواسته که همه در کنار هم خدای واحد را بپرستیم. از این رو، پیروان ادیان الهی به ویژه اسلام و مسیحیت باید با هم متحد شوند و با الحاد، بی‌عدالتی، خشونت و جنگ و رفتارهای ضد اخلاقی مقابله کنند و برای تقویت ارزش‌های الهی، اخلاق، صلح و تحکیم خانواده همکاری کنند. ایشان نیز این موارد را تأیید کرد و با گرمی و احترام با هم خداحافظی کردیم.